

جرایم ارتكابی در زندان ابوغریب از منظر حقوق بین الملل کیفری؛ مطالعه‌ی موردی جنایات شکنجه و خشونت جنسی

سهراب صلاحی*

چکیده

در پی اشغال عراق توسط نیروهای خارجی در سال 2003، زندان ابوغریب در نزدیکی بغداد به محلی برای نگهداری مخالفان و معترضان به اشغال تبدیل شد. در جریان نگهداری زندانیان در این زندان، بدرفتارهای بسیاری از سوی نظامیان آمریکایی که اداره‌ی زندان را برعهده داشتند علیه آنان صورت گرفت. از آنجا که محاکمه و مجازات متهمان به جرایم بین‌المللی در گرو احراز وصف مجرمانه‌ی اعمال ارتكابی براساس قواعد حقوق بین‌الملل کیفری است، در این پژوهش به بررسی بدرفتاری‌های مسئولان اداره‌ی زندان ابوغریب از منظر حقوق بین‌الملل کیفری می‌پردازیم. با بررسی جرایم ارتكابی صورت گرفته در این زندان اعم از «خشونت‌های جنسی» و «شکنجه» به این نتیجه رهنمون می‌شویم که متهمان آمریکایی زندان ابوغریب مرتکب «جنایت علیه بشریت» و «جنایت جنگی» شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: زندان ابوغریب، خشونت جنسی، شکنجه، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی.

1. مقدمه

طبق کنوانسیون سوم ژنو (1949)، از زمانی که فردی در مخاصمات مسلحانه اسیر می‌گردد، تا خاتمه اسارت و یا بازگشت به میهن جان، مال، سلامت جسمی و روحی، شرافت و حیثیت آنان محترم و تحت حمایت است و قدرت اسیرگیرنده مسئول تضمین رفتار انسانی و احترام به اسیران جنگی است و برای تضمین این مقررات، در این کنوانسیون، رژیم نقض فاحش پیش‌بینی شده است.

نقض فاحش مقررات مربوط به اسیران جنگی در کنوانسیون سوم ژنو شامل: قتل عمدی اسیران، شکنجه یا رفتار غیرانسانی از جمله؛ انجام آزمایش‌های بیولوژیکی بر روی آن‌ها، زجر دادن و ایراد جراحت بر بدن آنان و محروم ساختن آنان از حقوق اولیه مانند حق محاکمه عادلانه است (ماده 130 کنوانسیون سوم). این کنوانسیون دول عضو را متعهد می‌نماید که قانون لازم برای مجازات مؤثر مرتکبان یا آمران نقض‌های فاحش را تصویب نمایند و افرادی که به نقض این مقررات متهم هستند صرف‌نظر از اینکه چه ملیتی دارند را در مقابل دادگاه حاضر نماید (ماده 129 کنوانسیون سوم).

طرفین مخاصمه عراق، یعنی دولت‌های ایالات متحده آمریکا و عراق، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را تصویب نموده‌اند. همچنین، اگرچه هر دو کشور پروتکل اول الحاقی 1977 را نپذیرفته‌اند اما موضوعات تدوین شده در این پروتکل تا حدود زیادی منطبق با قواعد عرفی حقوق بین‌الملل است. در اجرای کنوانسیون‌های ژنو که از جمله آن‌ها وضع قوانین و مقررات لازم از سوی دولت‌های عضو است، مواد 190 تا 198 مقررات نظامی آمریکا به رفتار انسانی با گروه‌های مختلف زندانیان دشمن اعم از نظامی و غیرنظامی اختصاص یافته است که در آن بر رفتار انسانی با همه زندانیان دشمن تأکید شده است.

با این وجود، دولت آمریکا پس از 11 سپتامبر رویکرد جدیدی نسبت به دستگیری و بازجویی افراد در جنگی که آن را جنگ جهانی علیه تروریسم نامیده بود، در پیش گرفت. در این رویکرد، نه فقط اعضای القاعده که آمریکا آن‌ها را مسبب حوادث 11 سپتامبر می‌دانست و یا اعضای طالبان که آمریکا آن‌ها را متهم به پناه‌دادن اعضای

القاعده و فراهم کردن زمینه و فضای آموزش آنان می‌کرد، بلکه هرکسی در هر نقطه‌ای از جهان که منافع آمریکا را تهدید نماید، آن‌گاه که به دست نیروهای آمریکایی اسیر شود، نه به عنوان یک اسیر جنگی و نه حتی یک تروریست، بلکه به عنوان جنگجویی که حتی پس از اسارت در حال جنگ با آمریکا است باید رفتار گردد. (گراهام^۱، 2003:335) این رویکرد برخاسته از این واقعیت است که آمریکا در استراتژی امنیتی جدیدی که در آغازین سال‌های قرن بیست و یکم در پیش گرفته است، در صورت نیاز، به حقوق بین‌الملل و حتی قوانین ملی خود اعتنا نخواهد کرد. این راهبرد در دو سند استراتژی امنیت ملی آمریکا (مصوب سال‌های 2002 و 2006) به روشنی قابل ملاحظه است.

برخلاف مورد افغانستان، دولت‌های آمریکا و انگلستان وضعیت اشغال عراق و عمل به تعهدات بین‌المللی خود در این زمینه را پذیرفتند. شورای امنیت نیز در قطعنامه 1483 (2003) اشغال عراق را به رسمیت شناخت. با این وجود، گزارش‌های ابوغریب حاکی از ارتکاب رفتارهای غیرانسانی در این زندان، از جمله خشونت جنسی و شکنجه، بسیار شدیدتر و دهشتناک‌تر از آنچه در زندان‌های گوانتانامو و بگرام (افغانستان) اتفاق افتاده، است.

در این رابطه گزارش تهیه شده از سوی سرلشکر «آنتونیو تگوبا»^۲ تا حدودی پرده از رفتارهای غیر انسانی ابوغریب پرده برداشت. وی برای انجام یک تحقیق رسمی نسبت به بازداشت‌ها و دستگیری‌های تیپ نظامی 800 آمریکا که مسئولیت نگهداری زندان ابوغریب را بر عهده داشت در 31 ژانویه 2004 انتخاب شد، گزارش وی در 26 فوریه 2004 تهیه شد اما تا زمانی که رفتارهای هولناک سربازان آمریکایی نسبت به زندانیان زندان ابوغریب از طرق گوناگون پخش نشده بود، این گزارش نیز منتشر نشد. سرانجام، گزارش تهیه شده به وسیله سرلشکر تگوبا در چهارشنبه 28 آوریل 2004 به مدت 60 دقیقه از شبکه سی‌بی‌اس^۳ پخش شد.^۴ انتشار عکس سربازان و پرسنل نیروهای مسلح آمریکا در حالی که مشغول انجام رفتارهای غیرانسانی، تحقیرآمیز و خشن علیه زندانیان ابوغریب بودند، بهت و تأسف عمیق افکار عمومی را برانگیخت و وجهه بین‌المللی آمریکا در این حوزه را به شدت تخریب نمود. به ویژه اینکه معلوم شد بیش

از 80 درصد این زندانیان حتی در شورش‌ها و مقاومت‌های علیه نیروهای آمریکایی حضور نداشته‌اند.^۵ بررسی بدرفتاری‌های صورت گرفته در ابوغریب، نشانگر این واقعیت است که دو جرم «خشونت جنسی» و «شکنجه» از فراوانی بیشتری در بین جرایم ارتكابی برخوردار است. پیش از بررسی مصادیق ارتكابی این دو جرم در زندان ابوغریب، مروری اجمالی بر ممنوعیت ارتكاب خشونت جنسی و شکنجه در حقوق بین‌الملل کیفری بایسته می‌نماید.

2. ممنوعیت خشونت جنسی و شکنجه در حقوق بین‌الملل کیفری

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اولین معاهده بین‌المللی است که حوزه گسترده‌ای از خشونت‌های جنسی را مورد شناسایی قرار داده است.^۶ این رویکرد از این جهت اهمیت می‌یابد که این اساسنامه مبین نگرش توسعه یافته جامعه بین‌المللی نسبت به جنایات علیه بشریت و جرایم جنگی است که در این میان از جنایات بردگی جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی غفلت نشده است.^۷ (ولر^۷، 2002: 699-693)

فحشای اجباری،^۸ حاملگی اجباری،^۹ عقیم‌سازی اجباری،^{۱۰} و سایر اشکال خشونت جنسی مشابه آن‌ها در سندی بین‌المللی به عنوان جنایات علیه بشریت و جرایم جنگی تلقی شده‌اند.^{۱۱} به علاوه، ماده 8 اساسنامه رم تأکید دارد که تجاوز به عنف و دیگر اشکال خشونت جنسی موجب نقض عمده کنوانسیون‌های ژنو، و نیز موجب نقض جدی ماده 3 مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو که مرتبط با جرایم جنسی است می‌گردد.^{۱۲}

تلاش فزاینده برای ممنوعیت اشکال مختلف خشونت‌های جنسی در معاهدات بین‌المللی، اسناد سازمان ملل متحد و بیانیه‌های دبیرکل و به خصوص ماهیت الزام‌آور کنوانسیون‌های بین‌المللی که به جرم‌انگاری جرایم خشونت جنسی پرداخته‌اند (آسکین^{۱۳}، 2003: 349) گواه بر رویه متحد کشورها در تلقی ممنوعیت تجاوز به عنف به عنوان قاعده‌ای عرفی در حقوق بین‌الملل است. ضمن آنکه، در حقوق داخلی همه کشورها تجاوز به عنف ممنوع شده است (سلر^{۱۴}، 2002: 302) و

این ممنوعیت را می‌توان در زمره اصول کلی حقوقی (به‌عنوان یکی از منابع حقوق بین‌الملل) نیز ملاحظه کرد. برای مثال، دادگاه یوگسلاوی در پرونده *فروندزلیچا*، در تعریف خشونت جنسی با بررسی تعدادی از قوانین ملی دریافت که به رغم اختلافات اجتناب‌ناپذیر، اکثر نظام‌های حقوقی ملی تجاوز به عنف را به‌گونه‌ای یکسان تعریف کرده‌اند.^{۱۵} این ممنوعیت نشانگر این اصل است که کشورها از نظر ماهوی، جرایم شدید خشونت جنسی را جرم‌انگاری کرده‌اند. قاضی «پاتریشا ویزر سلرز» در این پرونده بیان داشت که ممنوعیت تجاوز به عنف یک قاعده عمومی حقوق بین‌الملل است که از نظام‌های ملی ریشه گرفته است.^{۱۶}

در پرونده *کادیچ علیه کارادزیچ*^{۱۷} دادگاه آمریکا نیز چنین نتیجه گرفت که قتل، تجاوز به عنف، شکنجه و توقیف خودسرانه^{۱۸} به مثابه تخلف از قواعد اساسی حقوق بشر دوستانه و حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌روند. اگرچه دادگاه به‌صورت مستقیم بحث قاعده آمره را مطرح نکرد اما خاطر نشان ساخت که ارتکاب جرایم جنسی نقض عمده حقوق جنگ است که گواهی بر اعتقاد به الزامی بودن رعایت آن‌ها است. (میچل^{۱۹}، 2005:15) صرف پذیرش ادعای «کادیچ» از سوی دادگاه‌های آمریکا، در واقع تأیید اعمال صلاحیت جهانی است و اینکه خشونت جنسی یک جرم بین‌المللی است. همچنین، در پرونده «هوانگ جیوم جو» و شکایت پانزده نفر از زنان آسیایی (از جمع 200 هزار زن و دختری که در جنگ دوم جهانی مورد تجاوز سربازان ژاپنی قرار گرفته بودند)، تصمیم دادگاه به طور تلویحی از ویژگی آمره ممنوعیت اعمال صورت گرفته (از جمله بردگی جنسی) حکایت می‌کرد.^{۲۰} با توجه به این پرونده، قاضی «هنری اچ کندی جار»^{۲۱} بعداً اظهار داشت: «دادگاه چین نتیجه گرفت که نقض قواعد آمره توسط ژاپنی‌ها، به‌طور ضمنی اسقاط حق مندرج در قسمت (الف) بند (1) ماده 1605 نیست».^{۲۲}

بر این اساس، تلقی دادگاه در این پرونده مبنی بر نقض قواعد آمره به سبب ارتکاب خشونت جنسی بوده است. دادگاه این اعمال را بدترین سبب‌هایی که تاکنون اتفاق افتاده دانست و تأکید داشت که ممنوعیت بردگی جنسی یک قاعده عرفی است.^{۲۳} در دو پرونده اخیر، به‌طور ضمنی این واقعیت مورد تأکید قرار دارد که عدم رضایت

بین‌المللی از اعمال خشونت جنسی به حدی اساسی و اجباری^{۲۴} است که ممنوعیت آن واجد ویژگی قواعد آمره می‌گردد. (سلر، 2002: 302) در نهایت اینکه، توسعه توأم با اجماع در اینکه منافع جامعه بین‌المللی در ممنوعیت تجاوز به عنف است، از نظر اخلاقی و قانونی، ارزشی اساسی و بنیادی در حفظ نظم جامعه بین‌المللی یافته است. از این رو، قبول این ممنوعیت به‌عنوان قاعده‌ای آمره گزاف نخواهد بود. این امر، آگاهی و توجه بیشتر قانون‌گذاران، قضات و وکلا به اهمیت این مسأله را ضروری می‌سازد.

اولین طلیعه عرفی بودن ممنوعیت شکنجه در اسناد بین‌المللی نیز در استانداردهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر متجلی شده است. (اردیلی، 192:1370) همچنین، محتوا و شرایط تصویب اعلامیه منع شکنجه (1975) و صدور قطعنامه‌های متعدد در محکومیت شکنجه و دیگر اشکال سوء رفتار به‌عنوان جنایتی بین‌المللی در جریان تنظیم اعلامیه مزبور که در حوزه‌های جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی متفاوتی قرار داشتند، نشانگر این واقعیت است که یک باور حقوقی فراگیر در زمینه منع شکنجه و سایر رفتارهای سوء وجود داشته است و در نتیجه، مبین این حقیقت است که موضوع شکنجه و سوء رفتارها از حوزه مسایل مربوط به امور داخلی خارج گردیده و به دغدغه‌ای بین‌المللی مبدل شده است.

در حقوق بین‌الملل عام معاصر، قاعده منع شکنجه به جهت قبول وصف آمره به جایگاهی رسیده که تنها قواعد معدود دیگری همچون منع تجاوز یا منع نسل‌کشی در آن قرار گرفته‌اند. کمیسیون حقوق بین‌الملل، هرگاه مهم‌ترین مصادیق قواعد آمره را نام می‌برد، در کنار منع تجاوز، منع ژنوسید، منع برده‌گیری و یا منع آپارتاید، همواره از منع شکنجه نیز یاد کرده است. مجمع عمومی ملل متحد نیز در قطعنامه‌هایی که هر سال برای یادآوری حق تخلف‌ناپذیر انسان‌ها به رهایی از شکنجه و اعلام محکومیت هر نوع شکنجه تصویب می‌کند، به طور معمول، با اتکای به آرای محاکم ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، ممنوعیت شکنجه را واجد وصف آمره تلقی کرده است. دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق نیز به صراحت ممنوعیت شکنجه را از قواعد آمره حقوق بین‌الملل قلمداد کرده است که بر سایر قواعد حقوقی برتری داشته و موجب بطلان هر قاعده معارض مادون - اعم از قواعد حقوقی داخلی یا بین‌المللی - که وضعیت آمره

جرایم ارتكابی در زندان ابوغریب از منظر حقوق بین الملل کیفری؛ ... 129

ندارد، می‌گردد^{۲۵} علاوه بر این، حقوق بین‌الملل شکنجه را یک «جنایت بین‌المللی» می‌داند و لزوم تعقیب و محاکمه متهمان به ارتكاب این جنایت را جزئی از برنامه مبارزه برای برچیدن شکنجه برمی‌شمارد. (رنجبریان، 207:1378؛ کامینگا، 1382: 78-77)

دیوان بین‌المللی دادگستری که احتیاط زاید الوصفی نسبت به کاربرد عنوان قواعد آمره^{۲۶} و نام بردن از مصادیق آن‌ها دارد در رأی خود در قضیه راجع به قاعده محاکمه کن یا مسترد *بادار* به صراحت ممنوعیت شکنجه را قاعده‌ای آمره تلقی کرده است^{۲۷} و بدین وسیله جایگاه آمره قاعده منع شکنجه را در حقوق بین‌الملل تصدیق و تثبیت نموده است. اثر مهم قواعد آمره، در حوزه مسئولیت بین‌المللی ظاهر می‌شود؛ بدین صورت که نقض یک قاعده آمره آثار حقوقی خاصی نه فقط برای دولت ناقض که مسئول است بلکه برای دیگر دولت‌ها در پی دارد. مطابق ماده 41 طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، برای پایان دادن به تخلف از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام، دولت‌ها باید از راه‌های قانونی و مشروع با یکدیگر همکاری کنند. ضمن آنکه هیچ دولتی نباید وضعیت خلاف قاعده آمره را به رسمیت بشناسد و یا در حفظ آن به دولت متخلف مساعدت نماید. همچنین، برطبق ماده 48 طرح مزبور، علاوه بر دولت زیان دیده، هر دولتی در طرح مسئولیت دولت متخلف ذینفع است و می‌تواند از دولت مسئول بخواهد تا به آن عمل متخلفانه خاتمه دهد و تعهدش به جبران خسارت را ایفا کند.²⁸ حال، که جایگاه مستحکم ممنوعیت «خشونت جنسی» و «شکنجه» در حقوق بین‌الملل کیفری ارائه گردید، موارد ارتكابی این دو جرم در زندان ابوغریب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

3. مصادیق جنایات ارتكابی علیه اسیران زندان ابوغریب

با توجه به اهمیت و کثرت موارد ارتكابی دو جرم «خشونت جنسی» و «شکنجه» در زندان ابوغریب، در این بخش، مصادیق این جرایم مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

3.1. **مصادیق خشونت جنسی:** گزارش‌های متعدد از عراق تحت اشغال حکایت از گسترش فساد و خشونت جنسی دارد. به گزارش دیده‌بان حقوق بشر، بی‌ثباتی شدید، تخریب زیر ساخت‌های اقتصادی عراق در دو جنگ 1991 و 2003، بی‌خانمان شدن چهار میلیون و هفتصد هزار تن، بی‌سرپرست شدن بیش از یک میلیون زن که شوهران خود را در جنگ از دست داده بودند، از جمله علل ایجاد و گسترش شبکه‌های قاچاق انسان در عراق است.^{۲۹}

پس از اشغال عراق گم شدن کودکان و دانش‌آموزان و ربودن و فروش آن‌ها شیوع یافت.^{۳۰} آمار دقیق آدم‌ربایی و خشونت جنسی علیه آن‌ها ناممکن است اما مشخص است که سطح و دامنه ربودن زنان و خشونت جنسی علیه آن‌ها به شدت افزایش یافته است. براساس گزارش یک سازمان غیر دولتی از 2003 تا 2006 بیش از 30 هزار تن در عراق ربوده شدند که بیش از نیمی از آن‌ها زن و دختر بوده‌اند.^{۳۱} در این میان، تجارت انسان، به‌ویژه به‌جهت فحشا و روسپیگری،^{۳۲} و قاچاق اعضای بدن،^{۳۳} به شدت رواج یافت.^{۳۴} بخشی از رواج فحشا در عراق معلول فقر گسترده ای بود که در پی تهاجم 1991 و متعاقب آن تحمیل تحریم‌های سنگین علیه ملت عراق و در نهایت اشغال عراق در 2003 و از بین رفتن بسیاری از زیر ساخت‌های عراق به‌وسیله بمباران و حملات نیروهای انگلیسی و آمریکایی، بوجود آمده بود. بخش دیگری نیز به جهت دخالت آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در گسترش باندهای قاچاق زنان و دختران و تشکیل خانه‌های فساد بود. گزارش‌ها حاکی از آن است که اولین خانه‌های فساد در عراق تحت اشغال با مدیریت آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در منطقه حفاظت شده سبز بغداد تشکیل شد.^{۳۵}

به‌هرحال، آنچه از خشونت جنسی در زندان ابوغریب اتفاق افتاد - که تنها بخشی از آن‌ها از طریق تصاویر و فیلم‌هایی که سربازان آمریکایی برای تفریح بیشتر، تهیه کرده بودند به خارج از ابوغریب راه یافت و مقدار کمتری از آن انتشار یافت - تنها بخشی از خشونت جنسی ارتکاب یافته در دوران اشغال عراق است که علاوه بر «زنان»، «مردان» و «کودکان» عراقی در بند ابوغریب را نیز در بر گرفت.

3.1.1. خشونت جنسی علیه زنان: برای قرن‌ها تجاوز به عنف و خشونت جنسی علیه زنان، تاکتیکی جنگی و یکی از خصیصه‌های غالب مخاصمات مسلحانه بوده است. این پدیده زشت در صحنه اشغال عراق و به‌طور خاص در زندان ابوغریب حضوری پر-رنگ داشته است. تحقیقات رسمی که به دستور مقامات آمریکایی صورت گرفته است این واقعیت را تأیید می‌نماید. گزارش مشترک سرلشکر «فای»^{۳۶} و سرلشکر «جونز»^{۳۷} تأکید دارد که از 25 جولای 2003 تا 6 فوریه 2004، 205 تن از پرسنل پلیس نظامی آمریکا^{۳۸} که در مدیریت و کنترل زندان ابوغریب مشارکت داشتند، مرتکب خشونت‌های جنسی با اسیران زندان ابوغریب شده‌اند؛ در حالی که می‌دانستند بد رفتاری‌های جنسی، نقض تکنیک‌های مصوب بازجویی است. (فای-جونز، 2004: 68) همچنین، 1800 قطعه عکس برداشته شده از مردان و زنان برهنه در اشکال گوناگون به‌وسیله نیروهای نظامی آمریکا در زندان ابوغریب، که دولت بوش اجازه انتشار این تصاویر را نداد اما در کنگره آمریکا نشان داده شدند، تجاوز گسترده به زنان دربند ابوغریب و دیگر موارد خشونت جنسی را تأیید می‌کند.^{۳۹}

بنا به روایت خبرگزاری فرانسه، آمریکایی‌ها در زندان ابوغریب یک زندانی زن عراقی را در برابر دیدگان همسرش مورد تجاوز قرار دادند؛ وی مجبور شد پس از آزادی از زندان خودکشی نماید.^{۴۰} «سالم میخائیل» وزیر حقوق بشر عراق تأکید می‌نماید براساس آمارهای موجود در این وزارتخانه در طول اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی، بیش از 447 زن عراقی در 11 زندان سری آمریکایی در بازداشت به سر می‌بردند.^{۴۱} یک روزنامه نگار اردنی به «ایندیپندنت» گفت که زنان عراقی در زندان ابوغریب بیش از مردان مورد خشونت جنسی و شکنجه قرار گرفتند. «لیمانبیل» گفت: برخی از زنانی که در زندان ابوغریب قربانی تجاوز شده‌اند، بعدها از سوی خانواده‌های خود هدف قتل «شرافتی» قرار گرفته‌اند. وی به‌نقل از یک زن زندانی از تجاوز نظامیان آمریکایی به پنج دختر در این زندان و کشته شدن آن‌ها از سوی خانواده‌هایشان خبر داده است. «رابرت فیسک» خبرنگار بین‌المللی، ضمن تأیید وجود گروه‌های تجاوزکننده به زنان از سوی نظامیان آمریکایی، مدعی شد: تصاویر زنانی که

مورد تجاوز قرار گرفته‌اند باعث شد که دولت اوباما تصمیم به جلوگیری از انتشار چنین تصاویری بگیرد.^{۴۲} باراک اوباما در این زمینه اظهار داشت که انتشار این تصاویر شعله‌های افکار ضد آمریکایی در میان مسلمانان جهان را شدیدتر خواهد کرد و باعث خواهد شد که جان نیروهای نظامی ما با خطر بزرگتری تهدید شود.^{۴۳}

3.1.2. خشونت جنسی علیه مردان: از جمله حوادث بهت‌آور اتفاق افتاده در زندان ابوغریب، خشونت‌های جنسی نظامیان زن آمریکایی علیه مردان اسیر دربند ابوغریب است. برخی از تصاویر این خشونت‌ها از سوی سربازان آمریکایی و برای تفریح برداشته شده است؛ که مدتی بعد برخی از آن‌ها در برنامه «60 دقیقه» از سوی شبکه تلویزیونی سی بی اس^{۴۴} پخش گردید. این تصاویر تعدادی از سربازان زن آمریکایی را نشان می‌دهد که در مقابل تعدادی از موقعیت‌های ایجاد شده از مواضع جنسی مردان اسیر عراقی، در حال ریشخند و تمسخر آنان هستند. براساس گزارش سیمور هرش، آن‌ها «مگان آمبوهل»،^{۴۵} «سبرینا هارمن»^{۴۶} و سرباز بسیار بدنام، «لیندی انگلند»^{۴۷} بودند. تصاویر چنین نشان می‌دهند: لیندی انگلند در حالی که سیگار بر لب دارد، با غرور و تکبر به اندام تناسلی زندانی مرد عراقی که به صورت برهنه درآمده و درحالی که کیسه‌ای بر سر وی قرار داده‌اند، اشاره می‌کند؛ در حالی که مرد عراقی اسیر مجبور به خودارضایی شده است. در تصویر دیگری⁷ اسیر مرد عراقی در حالی که برهنه شده‌اند بر روی هم مانند هرمی قرار داده شده‌اند. لیندی انگلند در این تصویر با یک سرباز مرد آمریکایی به نام «گرانر»^{۴۸} در حالی که دست در شانه یکدیگر دارند، در حال پوزخند و اشاره به این تن‌های برهنه هستند. در تصاویر دیگری این زنان بر گردن بعضی اسیران مرد عراقی دربند ابوغریب «افسار» انداخته و آنان را به صورت چهار دست و پا، مانند حیوان به حرکت درمی‌آورند.^{۴۹} سرلشگر آنتونیو تگوبا در گزارش خود، موارد زیر را در زمره خشونت‌های جنسی علیه مردان برشمرده است:

«عکس برداری و فیلم برداری از زندانیان مرد برهنه؛ اجبار مردان عریان به قرار گرفتن در وضعیت‌های گوناگون جنسی برای عکس برداری؛ اجبار زندانیان مرد به

برهنگی و نگه‌داری آن‌ها در همین وضعیت برای چند روز؛ اجبار مردان برهنه به پوشیدن لباس زیر زنانه؛ مردان را در حالت برهنگی به شکل توده‌ای در آوردن و پریدن بر روی آن‌ها؛ اجبار مردان عریان به خودارضایی؛ قرار دادن کیسه بر سر مردان برهنه و اتصال سیم‌های برق به انگشتان شست پا و دست و آلت آن‌ها برای شبیه‌سازی شکنجه الکتریکی؛ نوشتن عبارت «من زناکار به‌عنف هستم» بر روی پاهای زندانی و سپس عکس‌برداری کردن از آن‌ها؛ قرار دادن قلاده سنگ بر گردن زندانی و قرار گرفتن سرباز زن آمریکایی در کنار آن‌ها برای ژست گرفتن و عکس‌برداری از آن‌ها...» (نگوبا، 2004:

(6)

در مواردی برای تحقیر مردان عراقی، در پشت آن‌ها تصویر زن می‌کشیدند و نظامیان آمریکایی آن‌ها را تهدید می‌کردند تا به روی زانو بنشینند و مورد تجاوز قرار بگیرند. «کترین وینر» خبرنگار روزنامه «گاردین» معتقد است که نظامیان آمریکایی از روی فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی و مجلات آمریکایی مواردی از این قبیل را مشاهده و بر روی زندانیان پیاده کرده‌اند. (جفریز^{۵۰}، 2007: 22)

خشونت‌های تکان دهنده‌ای که از سوی زنان نظامی آمریکایی به خصوص علیه مردان اسیر عراقی در زندان ابوغریب اتفاق افتاد، نشانگر این است که توحش و خشونت‌های سادیستی و زجرآور فقط از سوی مردان صورت نمی‌گیرد. آیا در تعلیل آن می‌توان گفت که در نتیجه تبلیغات فمینیستی، این زنان در پی برتری طلبی نسبت به مردان بودند، و یا اینکه چون مردان را فاتح جنگ‌ها می‌دیدند، در پی جبران عقده‌های حقارت خود بودند. بدنام‌ترین زن نظامی آمریکایی «لیندی انگلند» در مصاحبه با مجله «استرن»^{۵۱} آلمانی، ارتکاب این اعمال را در جنگ‌ها امری عادی می‌داند.^{۵۲} آیا می‌توان گفت که ارتکاب این اعمال معلول فساد عمیق و وضعی است که جامعه آمریکا و بسیاری دیگر از جوامع دیگر امروزی را فراگرفته است؟ ریشه‌یابی و جرم‌شناسی ارتکاب این حوادث تکان‌دهنده مجال دیگری می‌طلبد، اما نکته‌ای که در تعلیل این وضعیت اشاره مختصری می‌طلبد، حضور گسترده زنان در ارتش آمریکا است. به‌نظر می‌رسد، خشونت‌های جنسی که از سوی نظامیان مرد آمریکایی در جنگ‌های ویتنام و کره جنوبی علیه زنان این کشورها صورت گرفت، که گاهی پس از ارتکاب تجاوز

جنسی، سینه‌های قربانیان را بریده و یا آن‌ها را به قتل می‌رساندند، از علل مهم تلاش برای جذب بیشتر زنان آمریکایی در ارتش آمریکا بوده است. از حضور گسترده زنان در امور نظامی برای شکنجه روحی مردان نیز در ارتش آمریکا استقبال می‌گردد؛ بدین گونه که زندانیان مرد ملت‌های مغلوب را در حضور زنان نظامی آمریکایی برهنه قرار می‌دادند تا آن‌ها را از نظر روحی تحت آزار و شکنجه قرار دهند. به همین دلیل است که 15 درصد نظامیان آمریکایی در عراق را زنان تشکیل می‌دادند.^{۵۳} مهم‌تر اینکه مسئولیت حساس‌ترین زندان آمریکایی‌ها در عراق یعنی زندان ابوغریب به‌عهده یک نظامی زن یعنی سرهنگ «جینز کارپینسکی»^{۵۴} قرار می‌گیرد و مجموعه این عوامل باعث می‌شود که فهرست زیادی از نقض قوانین و مقررات بین‌المللی در زندان ابوغریب به وقوع بپیوندد.

3.1.3. خشونت جنسی علیه کودکان: پس از انتشار گزارش‌هایی مبنی بر اینکه در میان زندانیان عراقی بیش از 500 کودک به‌چشم می‌خورد، دیده‌بان حقوق بشر ضمن انتقاد شدید از عملکرد نظامیان آمریکایی در عراق خواستار ارجاع هر چه سریع‌تر پرونده‌های قضایی این کودکان به مراجع ذیربط جهت رسیدگی و آزادی هر چه سریع‌تر آن‌ها شد. ارتش آمریکا در می 2005 اذعان کرد که 513 کودک را تحت این عنوان که «تهدیدی علیه امنیت» به‌شمار می‌آیند بازداشت کرده است.^{۵۵} این درحالی است که خشونت‌های جنسی دهشتناکی علیه آن‌ها از سوی نیروهای آمریکایی صورت گرفته است.

تجاوز به کودکان و نوجوانان در زندان‌های عراق، به خصوص زندان ابوغریب، آن‌قدر وحشتناک بوده که حتی محافل آمریکایی نیز دیگر تاب سکوت در برابر آن را نداشته و نظامیان خود را به علت این جنایت مورد بازخواست قرار دادند. در همین راستا، «سیمور هرش» روزنامه‌نگار معروف آمریکایی در یک سخنرانی برای اعضای یک اتحادیه در آمریکا پرده از رفتار هولناک نظامیان آمریکایی با زندانیان برداشت. به گزارش پایگاه اینترنتی «سالن»، هرش با ارائه عکس‌هایی که تاکنون منتشر نشده است

گفت: آمریکایی‌ها در برابر چشم زنان زندانی به کودکان پسر تجاوز کرده‌اند و نظامیان دیگری از این رفتار شنیع فیلم و عکس تهیه کرده‌اند که همه آن‌ها نزد پنتاگون است. هرش در ادامه گفت: دونالد رامسفلد، وزیر دفاع سابق آمریکا، در جلسه پاسخگویی درباره جنایات ابوغریب گفته است: عکس‌ها و فیلم‌های هولناکی درباره شکنجه و رفتار نظامیان آمریکایی با زندانیان ابوغریب در اختیار پنتاگون است که انتشار آن‌ها مشکلاتی اساسی برای دولت و کشور به بار خواهد آورد. هرش می‌افزاید: زن‌ها توانسته بودند نامه‌هایی را به بیرون از زندان ارسال کنند که در آن نامه‌ها نوشته بودند که بیاید اینجا ما را بکشید تا از این وضع نجات پیدا کنیم؛ پسرها مورد تجاوز قرار می‌گیرند و از همه این صحنه‌ها فیلم می‌شود. بدتر از همه صدای جیغ پسرهایی است که دولت شما [آمریکا] همه را در اختیار دارد.^{۵۶}

4. مصادیق شکنجه

ایالات متحده آمریکا پس از 11 سپتامبر به بهانه مبارزه جهانی علیه تروریسم^{۵۷} آشکارا معاهدات بین‌المللی لازم‌الاجرا در زمینه منع شکنجه و رفتار انسانی با زندانیان و اسیران جنگی مخاصمات بین‌المللی را به کناری نهاد(صلاحی، 1392: 146-115) و نیروهای نظامی و اطلاعاتی این کشور، انواع شکنجه‌ها را به ویژه نسبت به اسیران در بند زندان ابوغریب روا داشتن؛ شدیدترین شکنجه‌ها، اعمال تکنیک‌هایی بود که در بازجویی‌ها صورت گرفته از جمله: ایستاده نگه‌داشتن زندانی به مدت طولانی، محرومیت از خواب، استفاده نامناسب از سلول انفرادی، استفاده از سگ، و غرق مصنوعی که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

4.1. ایستادن طولانی مدت^{۵۸}: یکی از شکنجه‌هایی که در ابوغریب صورت گرفته و در گزارش خبری شبکه ABC مورد توجه قرار گرفته است، اجبار زندانی به ایستادن طولانی مدت بوده است. این عمل باعث لخته شدن خون شده، که می‌تواند به ریه‌ها نیز سرایت کند و منجر به انسداد خون در ریه‌ها گردد. به علاوه، این عمل ممکن است به

عصب‌های پیرامونی آسیب برساند. (ماسی مینو^{۵۹}، 2007: 13) مجبور کردن زندانی در غل و زنجیر به اینکه مدت زیادی روی پای خود بایستد، نه فقط درد و رنج فراوانی در پی دارد، بلکه حیات وی را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد.

شایان ذکر است که کمیسیون نظامی ارتش آمریکا پس از جنگ جهانی دوم، آن دسته از سربازان ژاپنی که چنین تکنیک‌های استرس‌آوری را بر روی زندانیان آمریکا به کار برده بودند، به اتهام جنایت جنگی مورد تعقیب قرار داد. (همان: 14) در پرونده هور علیه پلزر^{۶۰} در سال 2002، دیوان عالی آمریکا قرار دادن زندانی در زیر نور آفتاب که باعث ایجاد اضطراب در زندانی می‌گردد، را به صراحت محکوم کرد و آن را خطرناک، تحقیرکننده و مغایر با شخصیت انسانی دانست.^{۶۱} دولت بوش در طرفداری از این زندانی نوشت که وی برای یک مدت طولانی در پست نگهبانی معطل گردیده که علاوه بر دردناک بودن آن، در شرایطی بوده که خطرناک و تحقیرکننده نیز بوده است. (همان: 14)

4.2. محرومیت از خواب^{۶۲}

محرومیت از خواب اغلب در یک شکل ترکیبی با ایستادن و ریختن آب سرد روی زندانی به‌عنوان یک تکنیک بازجویی از سوی افراد سازمان سیا گزارش شده و در زندان ابوغریب نیز تجربه شده است. این رفتار براساس مطالعات پزشکی، آسیب‌های جسمی و اختلالات روحی و روانی شدیدی در پی خواهد داشت. دست‌کم از اول قرن شانزدهم، محرومیت از خواب به عنوان مؤثرترین و اساسی‌ترین شکنجه برای اقرار به موارد خواسته شده، شناخته شده است.^{۶۳} به‌کارگیری این تکنیک شکنجه از سوی دولت‌های دیکتاتوری استالین (شوروی سابق) و هیتلر (آلمان نازی) نیز گزارش شده است. (همان: 13)

4.3. استفاده نامناسب از سلول انفرادی

استفاده از سلول انفرادی به منظور تفکیک زندانیان از یکدیگر برای کسب

اطلاعات حساس و استراتژیک است. ماده 5 کنوانسیون چهارم ژنو و مواد 198-190 مقررات نظامی آمریکا این وضعیت را مورد تأیید قرار داده است مشروط بر اینکه ضرورت نظامی ایجاب نماید. اما جدایی و ایزوله کردن زندانیان در ابوغریب آن هم به صورت برهنه و حتی بدون پتو، اغلب به عنوان یک مجازات صورت گرفته است. سرلشکر فای موارد زیادی از نگهداری زندانیان در سلول‌های انفرادی در وضعیت نامناسب و به عنوان شکنجه ذکر کرده است. (فای - جون، 2004: 95-91) بی تردید چنین عملی در اوضاع و احوال مربوطه، یک شکنجه روانی به شمار آمده و نقض مقررات و حقوق قابل اجرا است.

4.4. استفاده از سگ

بدرفتاری با زندانیان به وسیله سگ‌های تعلیم یافته از زمانی شروع شد که این سگ‌ها را در 20 نوامبر 2003 وارد زندان ابوغریب کردند. این حیوانات در نتیجه توصیه سرلشکر میلر، که فرماندهی زندان گوانتانامو را به عهده داشت، به زندان ابوغریب آورده شدند. (همان: 83) آن چنان که فای گزارش کرده است، حداقل در 10 مورد، در بازجویی‌ها از سگ برای ارباب و ترساندن زندانیان استفاده شده است. (همان: 84) به عنوان مثال، سرباز شماره 15 در بازجویی از یک زن اسیر در ابوغریب از سگ استفاده کرده که موجب شد زن تحت بازجویی از ترس به زمین بیفتد. (همان: 87) سرلشکر تگوبا نیز در تحقیق خود از گاز گرفتن یک زندانی به وسیله این سگ‌ها گزارش داده است. (تگوبا، 2004: 18) استفاده از سگ برای محدود کردن و محبوس کردن، براساس مواد 190-192 مقررات نظامی آمریکا به عنوان ابزاری برای کنترل جمع زندانیان مجاز دانسته شده است اما وقتی که از سگ برای تهدید و ارباب زندانی استفاده شود، تجاوز و تخطی از مقررات و حقوق قابل اجرا محرز است. بنابراین، بردن چنین سگ‌هایی به اطاق زندانیان، درحالی که آن‌ها از ترس حمله سگ فریاد بزنند و گریه کنند، نقض آشکار مقررات است.

4.5. یخ زدگی با آب سرد^{۶۴}

مشکل است کسی آب ریختن روی شخص برهنه‌ای آن‌هم فردی که معمولاً مدت‌ها بی‌خوابی کشیده است را صرف نظر از آزار دهنده بودن آن، به عنوان تعدی و تجاوز به شخصیت وی نپذیرد. ضمن آنکه قرار گرفتن طولانی مدت در معرض هوای سرد می‌تواند به ضعف بدنی فرد، توقف ناگهانی قلب، نقص عضو و عکس العمل‌های غیرارادی و در دراز مدت به ناتوانی ذهنی و روانی وی منجر گردد. (ماسی مینو، 2007: 12) دادگاهی در ایالات متحده چنین رأی داد که روشن کردن پنکه بر روی فرد درحالی‌که برهنه و خیس است، مصداقی از مجازات ظالمانه است.^{۶۵} این در حالی است که چنین رفتاری به طور وسیع در مورد زندانیان ابوغریب انجام گرفته است.

به‌رغم اینکه در سال‌های اخیر دولت آمریکا بسیاری از کشورها مانند عربستان سعودی و تونس را برای اعمال این شیوه که آن را شکنجه می‌دانست، محکوم کرده است، اما نیروهای آمریکایی به شدت و در موارد فراوانی از این تکنیک در بازجویی‌ها استفاده کرده‌اند. این تکنیک نیز از گوانتانامو به افغانستان و از آنجا به ابوغریب منتقل شد و غالباً به صورت ترکیبی و از طریق محرومیت از خروج زندانیان از سلول، برهنه کردن و ریختن آب سرد روی آن‌ها، انجام می‌گرفته است. (فای-جونز، 2004: 70) به گزارش سرلشکر فای، زمانی که از یک سرباز اطلاعات نظامی درباره چرایی ریختن آب سرد بر روی زندانی برهنه که برای مدت‌ها بی‌خوابی کشیده است، سؤال شد، وی در پاسخ گفت: «به‌خاطر فرامین نظامی به ما گفته شده است که شما مجاز هستید هر چه می‌خواهید، این عمل را انجام دهید». (همان: 70) به هر تقدیر، واضح است که چنین اقداماتی به چه میزان آزار دهنده و غیر انسانی خواهد بود.

4.4. غرق مصنوعی^{۶۶}

غرق مصنوعی از جمله تکنیک‌های غیرقانونی بوده است که بر روی زندانیان ابوغریب اعمال شده است. در این تکنیک زندانی در یک سطح شیب‌داری قرار داده می‌شود و بر سر و صورت وی درحالی‌که به‌وسیله سلوفان (لایه پلاستیکی شفاف) پوشیده شده است، آب ریخته می‌شود و زندانی احساس می‌کند که در حال غرق شدن است. (ماسی مینو، 2007: 10) عوارض پزشکی که از خفگی ایجاد شده در تکنیک

غرق مصنوعی دچار زندانی می‌گردد، عبارت است از: مشکلات تنفسی حاد و مزمن؛ درد مزمن در سر و کمر؛ حملات ناگهانی استرس‌آور؛ علائم افسردگی؛ اختلالات استرس‌آور مداوم. (همان: 14)

به این جهت که اعمال این تکنیک، زندانی را در شرف مرگ قرار خواهد داد، هم پرسنل آمریکایی و هم بیگانگانی که در گذشته از این تکنیک استفاده کرده‌اند، به اتهام ارتكاب جرایم جنگی مورد تعقیب قرار گرفته‌اند.^{۶۷} بنابراین، اعمال این تکنیک بر روی زندانیان ابوغریب، به جهت نقض آشکار کنوانسیون‌های ژنو، به عنوان ارتكاب جرایم جنگی، قابل پیگیری و مجازات خواهد بود.

5. تحلیل موضوع

تکنیک‌های اعمال شده در بازجویی‌های زندانیان ابوغریب علاوه بر اینکه سبب درد و رنج فراوان زندانیان گردیده است، باعث هتک حرمت و شخصیت قربانیان نیز بوده است. صدمات فیزیکی و شکنجه بودن اعمال این تکنیک‌ها از سوی بسیاری از محققین و پزشکان آمریکایی خاطرنشان شده است. (همان: 14) در هر صورت، عملکرد ایالات متحده آمریکا در زندان ابوغریب مسایل پیچیده حقوقی در سطح جامعه بین‌المللی به وجود آورد که لازم است تحلیل شود.

هرچند مقامات آمریکایی در هنگام تهاجم به عراق اعلام کردند که اسیران جنگی عراقی برخلاف اعضای القاعده از حمایت‌های مقرر در کنوانسیون‌های ژنو برخوردار خواهند بود (رِگوان^{۶۸}، 2005: 622) اما آن‌گاه که صحنه‌های وحشتناک خشونت جنسی، شکنجه و تحقیر انسان‌ها و انسانیت در ابوغریب منتشر شد، بعضی مقامات آمریکایی برای کاهش فشار افکار عمومی جهانی از آنچه در ابوغریب اتفاق افتاده است، زندانیان ابوغریب را رزمندگان غیرقانونی و یا تروریست خواندند. نسبت به وصف رزمندگان غیرقانونی در مورد زندانیان زندان ابوغریب اشاره به دو نکته لازم می‌نماید: اولاً؛ در یک مخاصمه بین‌المللی، که آمریکا نیز بدان اذعان داشته است،^{۶۹} براساس ماده 5 کنوانسیون سوم ژنو، تعیین وضعیت افراد باید به صورت موردی توسط دادگاه صالح

انجام گیرد (منوهر^{۷۰}، 2004-2003: 88) و تا زمانی که وضعیت بازداشت شدگان توسط دادگاه صالح مشخص نگردد، باید با آنها به صورت اسیر جنگی رفتار شود. بند یک ماده 45 پروتکل اول الحاقی نیز بر این موضع تأکید دارد. بنابراین، مقامات آمریکایی نمی‌توانند همه زندانیان را به عنوان یک گروه فرض کرده و برخلاف کنوانسیون سوم به صورت جمعی در مورد آنها تصمیم‌گیری کنند. این امر یعنی رعایت وضعیت کلیه بازداشت شدگان، حتی آنهایی که در قالب رزمندگان غیرقانونی دسته‌بندی می‌گردند، در مقررات ارتش ایالات متحده نیز تصریح شده است. تفسیر دستورالعمل نظامی این کشور درخصوص جنگ‌های زمینی در ارتباط با ماده 5 کنوانسیون سوم، اعلام می‌دارد: «مقررات مذکور در مورد هرکسی که به نظر محق به برخورداری از وضعیت اسیر جنگی نیست و عمل خصمانه‌ای انجام داده و یا در اعمال خصومت بار نسبت به نیروهای مسلح [یک کشور دیگر] کمک کرده است، و کسی که ادعا می‌کند محق به برخورداری از وضعیت اسیر جنگی است، یا کسی که به هر صورت در مورد وضعیت او تردیدهای مشابهی وجود دارد، اعمال می‌شود».^{۷۱} اداره حقوقی ارتش ایالات متحده نیز در این راستا اظهار داشت: «... نیروهای ایالات متحده، حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در هر شرایطی صرف نظر از ماهیت مخاصمات اجرا خواهند کرد».^{۷۲}

ثانیاً؛ به فرضی که تمام زندانیان ابوغریب در قالب رزمندگان غیرقانونی تلقی گردند، از منطبق و روح حاکم بر قواعد بشر دوستانه چنین برداشت می‌شود که عدم اعمال قواعد حقوق بشر دوستانه نسبت به رزمندگان غیرقانونی و حتی تروریست‌ها قابل پذیرش نیست. در حقوق بشر دوستانه بین‌المللی قواعدی وجود دارند که حداقلی از حقوق اساسی و بنیادین را مطرح نموده و از موقعیت عرفی و حتی آمره برخوردارند. این حداقل‌ها باید نسبت به هر فردی که به نحوی درگیر مخاصمات مسلحانه بوده و از حمایت‌های کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز محروم می‌ماند، اعمال شود. یکی از این اصول مسلم شرط مارتنز^{۷۳} است که در مقدمه کنوانسیون‌های لاهه (1899 و 1907) گنجانده شده و در اسناد بعدی نیز جایگاه خود را حفظ کرده است. مطابق این مقرر، هر انسانی که در حین درگیری از حمایت معاهدات و توافقات بین‌المللی بی‌بهره

جرایم ارتكابی در زندان ابوغریب از منظر حقوق بین الملل کیفری؛ ... 141

می ماند، همچنان تحت حمایت اصول حقوق ملل، مطابق آنچه که اصول انسانیت و وجدان عمومی حکم می کند باقی خواهد ماند.

ماده 3 مشترک کنوانسیون های ژنو نیز با آنکه یک متن قراردادی است، ولی امروزه به عنوان معیاری حداقلی و بخشی از حقوق عرفی قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه نسبت به همه اشخاص بازداشت شده در ارتباط با مخاصمه، صرف نظر از اینکه محق وضعیت اسیرجنگی هستند یا خیر، پذیرفته شده است. رویه دادگاه های بین-المللی و داخلی نیز مؤید این امر است. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه (1986) تصدیق کرد که اصول بشردوستانه ای مستقل و جدا از حقوق معاهداتی وجود دارد که این اصول در ماده 3 مشترک منعکس و متبلور شده اند؛ ماده ای حاوی حداقلی از مقررات که در هر مخاصمه ای اعم از بین المللی و داخلی باید اجرا شود.^{۷۴}

دیوان عالی ایالات متحده در رأی 29 ژوئن 2006 در دعوی حمدان تأکید کرد که ماده 3 مشترک در مخاصمه جهانی میان ایالات متحده و یک بازیگر غیردولتی (القاعده) که در کشور افغانستان که عضو کنوانسیون های ژنو است، لازم الاجرا است. (دهن^{۷۵}، 2009: 82-63؛ فلچر^{۷۶}، 2006: 442-446) بنابراین، ممنوعیت ماده 3 مشترک در مقابل تجاوز به زندگی و حیات اشخاص به خصوص قتل عمد، نقص عضو، شکنجه و رفتارهای غیرانسانی، همچنین تعدی به شخصیت انسان ها از جمله رفتارهای تحقیرآمیز نسبت به هر شخصی حتی تروریست ها و در هر جایی، باید اعمال گردد. (گزارش ویژه، 2004: 27)

به علاوه، ماده 75 پروتکل اول الحاقی نیز بیانگر مقررات پذیرفته شده حقوق بین الملل عرفی است که تضمیناتی اساسی نسبت به همه اشخاص که در دست یک طرف درگیری قرار می گیرند حتی اگر آن ها محق به وضعیت اسیر جنگی نباشند، را بیان کرده است. اصول مقرر در این ماده به دلیل ماهیت خود که شامل رفتار انسانی و استانداردهای محاکمه عادلانه می شود، به عنوان بخشی از حقوق بین الملل عرفی نسبت به ایالات متحده الزام آور است، هرچند این کشور پروتکل های الحاقی را نپذیرفته باشد. عرفی بودن ماده 75 مزبور توسط دولت ریگان - رئیس جمهور اسبق آمریکا - نیز پذیرفته شده بود تا آنجا که مشاور حقوقی وزارت خارجه ایالات متحده، در پذیرش

مفاد این ماده به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی در 2003 بیان داشت: «ایالات متحده همچنان ماده 75 پروتکل اول الحاقی را به عنوان بخشی از حقوق عرفی لحاظ می‌کند و می‌پذیرد که آن را نسبت به همه اشخاص از جمله تروریست‌هایی که در جریان هر نوع مخاصمه مسلحانه‌ای که توسط ایالات متحده دستگیر شده‌اند و یا دستگیر می‌گردند، اعمال نماید». (گلدمن^{۷۷}، 2002: 38)

قوانین فدرال آمریکا نیز اعمال شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز و ظالمانه را نسبت به همه انسان‌ها و قطع نظر از اینکه کجا زندگی کنند، ممنوع اعلام کرده است.^{۷۸} به عنوان مثال گفتنی است که، دادگاه‌های آمریکا بدرفتاری‌هایی مانند در معرض هوای گرم یا سرد قرار دادن و غرق مصنوعی که باعث فشارهای شدید روحی و جسمی می‌گردد را شکنجه دانسته‌اند. (ماسی مینو، 2007: 8)

پس از آنکه مصادیق دو جنایت خشونت جنسی و شکنجه که به صورت گسترده و نظام‌مند از سوی نیروهای آمریکایی علیه اسیران زندان ابوغریب ارتکاب یافته است، مورد بررسی قرار گرفت، به این مسأله می‌پردازیم که از منظر حقوق بین‌الملل کیفری این جنایات دارای چه وصف کیفری هستند؟

6. توصیف کیفری جنایات ارتكابی در زندان ابوغریب

همان‌طور که اشاره شد، گزارش‌ها و تحقیقات صورت گرفته از زندان ابوغریب بیانگر این واقعیت است که انواع خشونت جنسی و شکنجه، علیه اسیران زندان ابوغریب صورت گرفته است که در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری برحسب اوضاع و احوال ارتکاب، می‌توانند به عناوین «جنایت علیه بشریت» و یا «جنایت جنگی» متصف گردند.

6.1. جنایت علیه بشریت

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در بیان صلاحیت موضوعی دیوان مقرر می‌کند که جنایات علیه بشریت می‌بایست در «مخاصمات

مسلحانه» ارتكاب پیدا کنند. در حالی که اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری رواندا اشعار می دارد که «جنایت علیه بشریت می بایست به دلایل ملی، سیاسی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتكاب یافته باشد». (شیایزری، 1382: 212) در اساسنامه رم شرط همزمانی جنایت علیه بشریت با مخاصمات مسلحانه و وجود انگیزه های تبعیض آمیز در جنایات مذکور حذف شده است. اندکی بعد، این عدم ارتباط توسط شعبه استیناف دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قرار صلاحیتی قضیه تادیچ نیز مورد تأیید قرار گرفت. (شبت، 1384: 51) بنابراین، آنچه جنایت علیه بشریت را از سایر جرایم بین المللی متمایز می سازد، ارتكاب جنایت در طی حمله ای گسترده یا نظام مند علیه جمعیت غیر نظامی^{۷۹} است. این شرط، لازمه و شرط اصلی جنایت علیه بشریت را تشکیل می دهد. (خاک، 1387: 36)

واژه «حمله» یا تهاجم، لزوماً به معنای حمله نظامی یا دخالت نیروهای نظامی در یک رشته عملیات جنگی داخلی یا بین المللی نیست، چه اینکه هیچ ملازمتی بین ارتكاب این جنایت و مخاصمات مسلحانه وجود ندارد. (راینسون^{۸۰}، 1999: 43) گستردگی یا سازمان یافتگی حمله نیز از شروط جنایات علیه بشریت در آراء محاکم بین المللی است. دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در رأی صادره در قضیه نیکولیچ (20 اکتبر 1995) سازمان یافتگی و گستردگی را در میان شروط لازم برای اینکه عملی جنایت علیه بشریت قلمداد شود، بر شمرده است. (کسسه^{۸۱}، 2002: 366) همین دادگاه در تصمیم مورخ 11 ژوئیه 1996 در قضیه کارادزیچ و ملادیچ، صادره از شعبه بدوی اعلام داشت که خشونت های جنسی به علت سازمان یافتگی و شدت رنج های وارده بر جمعیت غیر نظامی در میان روش های پاکسازی قومی شایسته توجه خاصی هستند. (مرون^{۸۲}، 1993: 52) دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ (1995) که یکی از اتهامات وی شرکت در تجاوز به بیش از 12 زن زندانی بود، نیز صریحاً مقرر داشت که تجاوزات به عنف ارتكابی در طی مخاصمات، جنایت علیه بشریت هستند. در همان سال نیز شعبه بدوی در قضیه نیکولیچ تجاوز جنسی ارتكابی را جنایت علیه بشریت توصیف کرد.^{۸۳}

بنا بر آنچه گذشت، حتی تحقیقاتی که به وسیله مأموران رسمی ارتش آمریکا چون

آنتونیو تگوبا صورت گرفته است نیز نشان‌گر این واقعیت است که آنچه در ابوغریب صورت گرفت یک حمله گسترده و سیستماتیک علیه جمعیتی بود که بسیاری از آنان نه عضو نیروهای مسلح عراق بوده و نه از اعضای گروه‌های مقاومت عراق، بلکه از مردم عادی بوده‌اند که به بهانه‌های گوناگون به اسارت نیروهای آمریکایی در زندان ابوغریب درآمده‌اند. به همین صورت، از آنجا که شکنجه‌های ارتكابی در زندان ابوغریب به صورت نظام‌مند صورت گرفته و بسیاری از زندانیان ابوغریب از افراد غیرنظامی بوده‌اند، این اعمال نیز در عداد «جنایت علیه بشریت» قابل پیگرد و مجازات هستند.

6.2. جنایت جنگی

حقوق بشر دوستانه بین‌المللی کشورها و طرف‌های درگیر در یک مخاصمه مسلحانه را نه تنها مکلف به رعایت حقوق بشر دوستانه می‌کند بلکه موظف به تضمین و حصول اطمینان از رعایت این مقررات نیز می‌داند. برای نیل به این هدف، نقض مقررات جنگ جرم انگاری شده است. اگرچه کنوانسیون‌های لاهه 1899 و 1907 منبعی برای تعریف جنایات جنگی به شمار می‌روند، اما نخستین بار مصادیق جنایت جنگی در منشور نورمبرگ مطرح شد و دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو نیز اولین محاکم بین‌المللی بودند که افرادی را برای ارتكاب جنایات جنگی مسئول شناختند. شایان ذکر است که تجاوز به عنف در منشور نورمبرگ به عنوان یک جنایت جنگی ذکر نشد، اما در دادگاه توکیو برای اولین بار ارتكاب این جرم به‌عنوان جنایتی جنگی مورد شناسایی و تعقیب قرار گرفت. (خاک، 1387:139)

جرایم بین‌المللی مشمول صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق دارای تعدد عنوان مجرمانه هستند. برای نمونه؛ اگرچه «تجاوز به عنف» تنها ذیل جنایات علیه بشریت ذکر شده است و از آن به عنوان یکی از موارد نقض جدی کنوانسیون‌های ژنو نام برده نشده است، اما تردیدی نیست که چنانچه بزه‌دیده فردی از افراد تحت حمایت کنوانسیون‌های ژنو باشد، همین تجاوز مشمول بند مربوطه از ماده 2 اساسنامه دیوان (ایراد عمدی صدمات یا لطمات شدید به بدن یا سلامت افراد) بوده و بالمآل

مشمول جنایت جنگی نیز خواهد بود. (مرون، 1993: 424) از سوی دیگر، تجاوز به عنف نقض آشکار بند 2 ماده 27 کنوانسیون چهارم نیز محسوب می‌گردد که به موجب آن زنان غیرنظامی تحت پوشش کنوانسیون باید در مقابل هتک ناموس، فاحشگی اجباری، و یا سایر اعمال منافی عفت حمایت گردند. «تئودور مرون»، رئیس اسبق دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، در سال 1993 با اشاره به سوء استفاده‌های وصف ناپذیر از هزاران زن در سرزمین‌های یوگسلاوی سابق که باعث شک شدیدی بر پیکره جامعه بین‌المللی شده بود، تقاضا کرد تا جامعه بین‌المللی به ممنوعیت تجاوز به عنف به عنوان جنایت جنگی بیاندهد. (انگل،^{۸۴} 2005: 779)

برای نخستین بار ماده 8 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که مفصل‌ترین مقررات را به نسبت دیگر موارد تحت صلاحیت دیوان به خود اختصاص داده است، به صراحت خشونت جنسی اعم از تجاوز به عنف، بردگی جنسی، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری، فحش‌های اجباری و هر شکل از خشونت جنسی که موجب نقض فاحش قراردادهای ژنو می‌شود را ذیل عنوان جنایات جنگی بر شمرده است. گام بعد در این راستا از سوی شورای امنیت در 2008 برداشته شد که ارتکاب خشونت جنسی را «جنایت جنگی» خواند. این شورا در قطعنامه شماره 1820 که به اتفاق آرا از تصویب گذراند، خشونت‌های جنسی را یک تاکتیک جنگی به منظور تحقیر، تسلط، تلقین ترس، تجزیه و یا استقرار اجباری اعضای یک جامعه یا گروه قومی دانست. این قطعنامه تأکید نموده است که ارتکاب خشونت‌های جنسی از جمله مسائل امنیتی است که می‌تواند مانع استقرار صلح و امنیت بین‌المللی گردد، و این جرایم می‌بایست از شمول عفو عمومی پس از جنگ استثناء شوند.^{۸۵} جالب اینکه «کاندولیزا رایس»، وزیر خارجه سابق آمریکا در نشستی که به همین جهت در سازمان ملل متحد برگزار شده بود، ضمن استقبال از تصویب این قطعنامه گفت: کسانی که مسئول خشونت جنسی در بحبوحه درگیری‌های مسلحانه هستند، باید دستگیر و در برابر دادگاه حاضر شوند.^{۸۶}

تشویش و نگرانی شدیدی که انتشار تصاویر ارتکاب خشونت‌های جنسی علیه کودکان، زنان و مردان عراقی در بند نیروهای آمریکایی زندان ابوغریب در افکار عمومی جامعه بین‌المللی ایجاد کرد، بی‌تردید صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره انداخت. به

علاوه، این بدرفتاری‌ها در یک مخاصمه بین‌المللی رخ داده است و در نتیجه، خشونت‌های جنسی ارتكابی در زندان ابوغریب ضمن اینکه در عداد «جنایت علیه بشریت» قلمداد می‌شوند، مشمول «جنایت جنگی» هم هستند.

7. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

گرچه ارتكاب خشونت‌های جنسی و شکنجه یکی از زوایای تاریک بسیاری از جنگ‌ها بوده است اما ارتكاب این اعمال علیه اسیران در بند ابوغریب از بسیاری جهات جزء نمونه‌های دهشتناک و کم‌نظیر این جنایات بوده است به‌گونه‌ای که به نظر می‌رسد از این منظر، زندان ابوغریب به یکی از موارد مثال‌زدنی زندان‌های مخوف تاریخ مبدل شده است. علیرغم آنکه دولت آمریکا بر خلاف منازعه افغانستان، اشغال عراق را به رسمیت شناخته و اعلام داشته بود که اسیران جنگی عراقی از حقوق مقرر در کنوانسیون‌های بین‌المللی برخوردار خواهند بود، طبق گزارش‌ها ارتكاب جرایم مزبور در ابوغریب حتی شدیدتر از زندان‌های گوانتانامو و بگرام بوده است. علاوه بر این، دولتمردان آمریکایی بارها تلاش برای گسترش دموکراسی و حقوق بشر در عراق را از جمله اهداف خود در تقابل با رژیم عراق اعلام می‌کردند و این کشور را (البته به واقع) به عدم رعایت نرم‌های حقوق بشری متهم می‌کردند.

اینکه چرا دولت ایالات متحده که پس از جنگ دوم جهانی بیشترین حضور و تجربه در منازعات مسلحانه بین‌المللی داشته است، بدیهی‌ترین مقررات حقوق بشر دوستانه را در رفتار با اسیران در بند ابوغریب به کناری نهاد، نیازمند بررسی‌های انگیزه‌ها و راهبردهای سیاسی این دولت است که از ابتدای قرن 21 با عنوان جنگ جهانی علیه تروریسم عنوان شد. همچنین اینکه چرا نیروهای آمریکایی از ارتكاب رفتارهای بسیار زشت و سخیف با اسیران زندان ابوغریب لذت می‌بردند و برای تفریح از این رفتارها فیلم و عکس تهیه می‌کردند، نیز نیازمند بررسی جرم‌شناسی این رفتارها و بررسی روحیه نژاد پرستی در میان نیروهای آمریکایی و همچنین بررسی وضعیت اسفبار اخلاق در درون جامعه آمریکا است.

به گواه تحقیقات رسمی دولت آمریکا بسیاری از اصول و مقررات بین‌المللی از سوی نیروهای آمریکایی در رفتار با اسیران جنگی پس از 11 سپتامبر، به خصوص علیه اسیران جنگی در بند زندان ابوغریب، به صورت فاحشی نقض شده است. از آنجا که وقوع شکنجه و خشونت جنسی علیه زندانیان زندان ابوغریب در یک مخاصمه بین المللی صورت گرفته، «جنایت جنگی» قلمداد می‌گردد و با توجه به اینکه بسیاری از قربانیان این جنایات، افراد غیر نظامی بوده‌اند که ارتكاب این اعمال علیه آنها به صورت نظامند وقوع یافته است، «جنایت علیه بشریت» محسوب می‌گردد.

عدالت کیفری ایجاب می‌نماید که افراد مسئول در این زمینه (اعم از مرتکبان و آمران) تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرند تا اختلال در نظم عمومی و تأثر افکار عمومی جهانی ناشی از این جرائم، ترمیم یابد. چه اینکه، حقوق بین‌الملل کیفری در جهت تضمین و پاسداشت ارزش‌های اولیه و بنیادین جامعه بشری که از ارکان نظم عمومی بین‌المللی است، قوام یافته است. به‌علاوه، در چنین مواردی مسئولیت بین‌المللی دولت نیز قابل طرح خواهد بود چنان‌که دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق در قضیه فروندزیجا¹⁷ به هنگام بررسی موضوع شکنجه و پس از ذکر شکنجه به عنوان یک جنایت جنگی و به عنوان جنایتی علیه بشریت، اشعار می‌دارد: «براساس حقوق بشر دوستانه بین‌المللی کنونی، در نتیجه‌ی دخالت رسمی دولت در شکنجه یا ترک فعل و کوتاهی در جلوگیری از آن و یا مجازات شکنجه‌گران، علاوه بر مسئولیت کیفری فردی، مسئولیت دولت نیز موضوعیت پیدا می‌کند. اگر شکنجه در پرتو رویه‌ی گسترده‌ی مأموران دولتی انجام گرفته باشد، در این صورت شکنجه برابر است با نقض شدید و در مقیاس گسترده یک تعهد بین‌المللی که از اهمیت زیادی در حمایت از انسان‌ها برخوردار بوده است. بنابراین، عمل تخلف فاحش انجام گرفته منجر به مسئولیت دولت می‌گردد.»⁸⁸

پی‌نوشت‌ها

¹ . Graham

². Antonio M. Tagoba

³. CBS

⁴. Laila Nadya Sadat., "The Mistreatment of Iraqi Detainees by American Force", Available at: <http://www.asil.org/insight.134.htm>.

⁵. Haward Zinn., "War Crimes Committed by the United State in Iraq and Mechanisms for Accountability", pp. 29 – 30, at: www.consumersforpeace.org (October 10, 2006).

⁶. David S. Mitchell, *op.cit*, p. 242.

⁷. Weller

⁸. enforced prostitution

⁹. forced pregnancy

¹⁰. enforced sterilization

¹¹. مواد 7 و 8 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

¹². قسمت‌های (و) و (ی) بند 2 ماده 8 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری

¹³. Askin

¹⁴. Sellers

¹⁵. See, *Prosecutor v. Furundzija*, Case No. IT-95-17/1-T (Dec. 10, 1998), para. 181; *Prosecutor v. Tadic*, Case No.IT-94-1-AR77 (Jan. 31, 2002), para. 1 5.

¹⁶. Patricia Viseur Sellers, *op.cit*, pp. 296, 302.

¹⁷. *Kadic v. Karadzic*

¹⁸. arbitrary detention

¹⁹. Mitchell

²⁰ *Hwang Geum Joo v. Japan*, 172F.Supp.2d52 (D.D.C. 2001), No.OO-CV-2288, Renumbered OO-CV-2233, pp. 38- 45.

²¹. Henry H.Kennedy Jr.

²² *Hwang Geum Joo v. Japan*, *op.cit*, p. 61.

²³ *Ibid*, p. 55.

²⁴. compelling

²⁵. *Prosecutor v. Furundzija*, 10 December 1998, paras.153-155.

²⁶. jus cogens

²⁷. ICJ Reports, 2012: para. 99.

²⁸. *Draft Articles on Responsibility of States*, 2001:pp. 53- 56.

²⁹. United Nations High Commissioner of Refugees, "The Iraq Situation: The Continuing Needs of Iraq's Displaced", 2008, at:

http://www.networklobby.org/issues/global_peace/iraqrefugees-idps11-07.pdf. See also, United Nations Children's Fund, "Iraq Country in Crisis" (Oct. 2004), at: <http://www.unicef.org/emerg/iraq/index.html>; Human Rights Watch, World Report 2009 (Iraq), at: <http://www.hrw.org/en/world-report-2009/iraq>.

³⁰. United Nations Children's Fund, "Iraq: Funding Appeals and Humanitarian Action Updates" (Jan. 19, 2009), at: http://www.unicef.org/infobycountry/iraq_31597.html

³¹. *Child Soldiers Global Report 2008 (Iraq)*, "Coalition to Stop the Use of Child Soldiers" (2008), at: <http://www.childsoldiersglobalreport.org/content/iraq>

³². prostitution

³³. trade of human organs

³⁴. در همین رابطه «احمد غراب» اردنی بازداشت شده سابق در زندان ابوغریب در مصاحبه با خبرگزاری «الدار العراقیه» فاش کرد که نظامیان آمریکایی اعضای بدن زندانیان را سرقت کرده و از آنها برای نظامیان خود استفاده می‌کنند. وی گفت مشاهده کرده است که نظامیان آمریکایی با جمع‌آوری افراد ناتوان ذهنی از خیابان‌ها در این کشور آنها را در ابوغریب زندانی کرده و در آنجا اعضای بدن آنها را خارج کرده و به بیمارستان‌های آمریکایی می‌فرستادند تا در درمان نظامیان آمریکایی از آنها استفاده شود. وی با اشاره به این که این اقدامات در دو زندان «ابوغریب» و «بوکا» اتفاق می‌افتاد، افزود که در زندان ابوغریب تعدادی از افراد را دیده است که چشمان آنها را از حدقه بیرون آورده و یا دست و پایشان را قطع کرده‌اند، ر.ک: خبرگزاری فارس، 1390/7/1.

³⁵. سایت مشرق، 22 دی 1389، کد خبر: 15584.

³⁶ Fay

³⁷ Jones

³⁸ MP

³⁹. Luke Harding., "The Other Prisoners", **The Guardian U.K.**, 20 May

2004, available at: www.truthout.org/cgi-bin/artman/exec/view.cgi/9/4566/printer

⁴⁰. خبرگزاری فارس، 90/5/18، کد خبر: 9004160377

⁴¹. همان.

⁴². خبرگزاری مهر، 89/6/22.

⁴³. اسلام تایمز، 1388/3/8.

⁴⁴. CBS

⁴⁵. Megan Ambuhl

⁴⁶. Sabrina Harman

⁴⁷. Lynndie England

⁴⁸. Graner

⁴⁹. Seymour M. Hersh., "Torture at Abu Ghraib, American Soldiers Brutalized Iraqi. How far up Does the Responsibility Go?", *New Yorker*, 10 May 2004.

⁵⁰. Jeffreys

⁵¹. Stern

⁵². "An Interview with Lynndie England" (M. S. C. Wiechmann, Interviewer), England, 17 March 2008, p.1.

⁵³. *Ibid.*

⁵⁴. Janis Karpinski

⁵⁵. خبرگزاری فارس، 90/5/6، کد خبر: 9005030103.

⁵⁶. خبر آنلاین، جمعه 1390//4/24، کد خبر: 162710. همچنین، نک:

(last modified on 31 December http://en.wikipedia.org/wiki/Charles_Graner 2011).

⁵⁷. global war against terrorism

⁵⁸. Long Time Standing

⁵⁹. Massimino

⁶⁰. *Hore v. Pelzer*

⁶¹. United States Court, *Hope v. Pelzer*, 536 US 730 (2002).

⁶². Sleep deprivation

⁶³. *Ashraft v. Tennessee*, 322 US 143, 149 (1944).

⁶⁴. freezing prisoners with cold water

⁶⁵. *Gates v. Collier*, 501 F. 2d 1291.1306 (1974).

⁶⁶. water boarding

⁶⁷. See, *United States v. Chinsaku Vuki*, Manila, 1946; *The Court Martial of Major Edwin F. Glen*, Iloilo, The Philippines, 7 and 14 June 1901.

⁶⁸. Ragavan

⁶⁹. UN SC Res. 1433 (2003).

⁷⁰. Monoher

⁷¹. U.S. Department of the Army, **The Law of Land Warfare: United States Army Field Manual**, FM 1956, para. 71(b).

⁷². *Ibid.*

⁷³. Martens clause

⁷⁴ *Military and Paramilitary Activities (Nicaragua/United States of America), Merits, ICJ Reports 1986*, p. 14.

⁷⁵ . Dehn

⁷⁶ . Fletcher

⁷⁷ . Goldman

⁷⁸ . See, U.S. Department of the Army, *Field Manual*, *op.cit*; Goldman and Titemore, *op.cit*, p. 38.

⁷⁹ منظور از جمعیت غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه کلیه اشخاصی است که نه عضو نیروهای مسلح باشند و نه در زمره سایر مبارزان قانونی یا مشروع.

⁸⁰ . Robinson

⁸¹ . Cassese

⁸² . Meron

⁸³ . See, "Adhoc Tribunals", at:

http://www.stopvaw.org/ad_hoc_international_tribunals.html (last updated June 15, 2006).

⁸⁴ . Engle

⁸⁵ . S/RES/1820 (2008).

⁸⁶ . SC/9364 (19 June 2008).

⁸⁷ . Prosecutor v. Furundzija, *op.cit*, para. 142.

⁸⁸ . به نقل از: کسسه، آنتونیو، *حقوق بین الملل*، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، نشر میزان، : 1388،

منابع

الف. فارسی

- اردبیلی، محمد علی، (1370) «شکنجه»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 9، 216-179.
- حبیبی، همایون، (1383) «بررسی محکمه صدام از دیدگاه حقوق بین الملل»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره 10، 121-97.
- خاک، روناک، (1387). «جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره 39، سال 25، 146-101.
- رنجبریان، امیرحسین، (1387) «پویایی حقوق بین‌الملل و پایایی شکنجه»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره 38، شماره 1، 248-205.
- شبث، ویلیام ا.، (1384) مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه سید باقر میر عباسی و حمید الهوتی نظری، تهران: انتشارات جنگل.
- شیایزری، کریانگ ساک کیتی، (1382) حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: سمت.
- صلاحی، سهراب، (1392)، «آمریکا و باز تعریف قواعد حقوقی در اعمال رفتارهای غیرانسانی نسبت به اسیران جنگی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره 5، شماره 1، 146-115.
- کامینگا، مونتی، (1382) «اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرایم سنگین حقوق بشری»، مترجم محمدجواد شریعت باقری، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره 28، 114-61.
- کسسه، آنتونیو، (1388) حقوق بین‌الملل، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، تهران: نشر میزان.

ب. انگلیسی

- Askin, Kelly D, (2003). **Prosecuting Wartime Rape and Other Gender-Related Crimes under International Law: Extraordinary Advances, Enduring Obstacles**, Berkeley J. INT'L L., Vol. 21.
- Cassese, Antonio, Paola Gaeta and John R.W.D Jones, (2002), **The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary**, Vol. 1, U.K.: Oxford University Press.

- Dehn , John C.(2009) “The Hamdan Case and the Application of a Municipal Offence”, **Journal of International Criminal Justice**, Vol. 7.
- Fay-Jonse Report: Executive Summary Investigation of Intelligence Activities At Abu ghraib,(2004),www.Find Law.com.
- Engle, Karen,(2005) “Feminism and Its Contents: Criminalizing Wartime Rape in Bosnia and Herzegovina”, **American Journal of International Law**, Vol. 99, No. 4.
- Fletcher, George P,(2006) “The Hamdan Case and Conspiracy as a War Crime”, **Journal of International Criminal Justice**, Vol. 4.
- Goldman, Robert and Tittmore Brain D., “Unprivileged Combatants and the Hostilities in Afghanistan: Their Status and Rights Under International Humanitarian and Human Rights Law”, **The American Society of International Law**, ASIL Task Force Papers, 2002.
- Graham, David E,(2009)“The Dual U.S. Standard for the Treatment and Interrogation of Detainees: Unlawful and Unworkable”, **Washburn Law Journal**, Vol. 48.
- ICJ(2012). **Questions Relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal)**, Judgment, 20 July 2012, [2012] ICJ Reports.
- Jeffreys, Sheila,(2007)“Double Jeopardy: Women, the US military and the War in Iraq”, **Women's Studies International Forum**, Vol. 30.
- Massimino.Elisa, (2007). **Testimony of Elisa Massimino**, Washington Director Human Rights First, Hearing on the Applicability of Federal Criminal Law to the Interrogation of Detainees Before the United States House of Representatives Committee on the Judiciary, December 20, 2007.pp.1-18. <http://www.humanrightsfirst.org/wp-content/uploads/pdf>.
- Meron, Theoder,(1993),**Henry's Wars and Shakespeare Laws**, Clarendon Press.
- Mitchell, David S,(2005),“The Prohibition of Rape in International Humanitarian Law as a Norm of Jus Cogens: Clarifying the Doctrine”, **Duke Journal of Comparative &International Law**, Vol. 15.
- Monoher and Army E. Eckert,(2003-2004),“Unlawful, Combatants or “Prisoner War; the Law and Politics of Labels”, **Journal of International Law**, Vol. 39.
- Office of the Administrator of the Coalition Provisional Authority, Baghdad, Iraq, Public Notice, (2003),“Regarding the Status of Coalition, Foreign Liaison and Contractor Personnel”,[“

- Public Notice”] available at: <http://gjpi.org/wp-content/uploads/cpa-notice-26-june-2003.pdf>
- Prosecutor v. Furundzija,(1998), **International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991**,(10 December 1998).
- Ragavan, Srividhya and Michael S. Mireles Jr,(2005),“The Status of Detainees from the Iraq and Afghanistan Conflicts”, **Utah Law Review**, No. 2.
- Robinson, Darry, (1999),“Defining Crimes against Humanity at the Rome Conference”, **American Journal of International law**, Vol. 93, No. 1.
- Sellers ,Patricia Viseur,(2002) “Sexual Violence and Peremptory Norms: the Legal Value of Rape”, **CACE W.RES. Journal of International Law**, Vol. 34.
- The “Taguba Report” on Treatment of Abu Ghraib Prisoners in Iraq”, at: <http://news.findlaw.com/hodcs/docs/iraq/2004>.
- UN(2004). **Special Report on Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment**, delivered to the General Assembly, U. N. Doc. A/59/324 .Sept, 2004.
- UN(2001). **Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Report of the International Law Commission on the Work of Its Fifty-third Session**, UN Doc. A/56/10.
- Weller, Marce,(2002)“Undoing the Global Constitution": UN Security Council Action on the International Criminal Court”, **International Law Affairs**, Vol. 78.